

تورهای بی‌ضابطه، محیط‌زیست و حیات‌وحش را به خطر انداخته‌اند

میهمان ناخوانده در خانه طبیعت

یادداشت

نادر نینوایی
گروه زیست بوم

این روزها تورهای بی‌ضابطه طبیعت‌گردی، بیش از گذشته راه خود را به دل جنگل‌ها، کوهستان‌ها و زیستگاه‌های طبیعی باز کرده‌اند؛ کمپ‌هایی که گاه طبیعت را از پناهگاه خاموش جانداران به صحنه‌ای برای برپایی جشن، پایکوبی، موسیقی‌های بلند و دورهمی‌های پرهیاهو بدل می‌کنند. گروه‌هایی که با هیاهو وارد می‌شوند، آتش می‌افروزند، سفره می‌گسترانند، شاخه می‌شکنند و سرانجام با انبوهی از پسماند، رد چرخ خودروها و خاطره چند ساعت خوشگذرانی، راه بازگشت در پیش می‌گیرند. انگار طبیعت را نه زیستگاهی زنده، بلکه عرصه‌ای بی‌صاحب می‌بینند که می‌توان به آن وارد شد، از مواهبش بهره برد و بی‌اعتنا به آنچه بر سرش آمده، ترکش کرد. اما با رفتن آخرین خودرو، زندگی در طبیعت به سادگی به روال پیشین بازنمی‌گردد.

صدای موسیقی شاید خاموش شود، اما آشفتگی‌ای که در زیستگاه بر جای گذاشته، همچنان ادامه دارد. جانوری که از پناهگاهش گریخته، پرنده‌ای که آرامش فصل زادآوری‌اش برهم خورده و حیوانی که به بوی پسماندهای غذایی به جاده کشیده شده، بخشی از هزینه‌ای هستند که حیات‌وحش برای خوشگذرانی بی‌ملاحظه انسان می‌پردازد. ظرف کنسروی که کنار درخت رها شده، کیسه پلاستیکی مدفون در خاک و آتشی که زیر خاکستر هنوز گرما دارد، یادگارهایی نیستند که طبیعت به آنها نیازی داشته باشد.

تلخ‌تر آنکه گاه نام طبیعت‌گردی بر این رفتارها گذاشته می‌شود؛ حال آنکه میان شناخت طبیعت و به آشوب کشیدن آن فاصله‌ای عمیق وجود دارد. طبیعت نه پس‌زمینه‌ای برای عکس‌های یادگاری ماست و نه حیاط خلوتی برای تکرار هیاهوی زندگی شهری. جنگل، خانه جاندارانی است که در انتخاب همسایگان خود اختیاری ندارند.

طبیعت زیر فشار سفرهای بی‌ضابطه

افزایش سفرهای گروهی و ورود خودروهای شخصی به عرصه‌های طبیعی، بدون رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و ضوابط طبیعت‌گردی، به یکی از تهدیدهای جدی زیستگاه‌های حیات‌وحش تبدیل شده است؛ تهدیدی که به گفته مسئولان محیط‌زیست، آثار آن تخریب پوشش گیاهی و آلودگی زیستگاه‌ها تا برهم خوردن چرخه زیستی جانوران و افزایش خطر تلفات حیات‌وحش امتداد پیدا می‌کند. در این میان، از یک سو سازمان حفاظت محیط‌زیست نسبت به پیامدهای تورهای بدون ضابطه هشدار می‌دهد و از محدودیت اختیارات خود در بسیاری از عرصه‌های طبیعی سخن می‌گوید و از سوی دیگر، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی بر ضرورت تفکیک تورهای مجاز طبیعت‌گردی از سفرهای شخصی و غیرسازمان‌یافته تأکید دارد. اختلاف در تعریف و نحوه مواجهه با این فعالیت‌ها، در کنار دشواری نظارت بر ورود گسترده گردشگران به طبیعت، ضرورت ساماندهی این سفرها را بیش از گذشته آشکار می‌کند. معصومه صفایی، معاون دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست، در گفت‌وگو با «ایران» با اشاره به آسیب‌های ناشی از برگزاری تورهای طبیعت‌گردی بدون ضابطه گفت: «این تورها در بسیاری از عرصه‌های طبیعی بدون انجام مطالعات لازم برای تعیین ظرفیت برد گردشگری برگزار می‌شوند و می‌توانند آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیمی به زیستگاه‌ها و گونه‌های جانوری وارد کنند.» به گفته او، در مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست، فعالیت‌های گردشگری بر اساس طرح‌های جامع مدیریت مناطق، زون‌بندی و ظرفیت‌های تعیین‌شده انجام می‌شود، اما بسیاری از زیستگاه‌های حیات‌وحش خارج از این مناطق قرار دارند و در آنها نظارت و برنامه‌ریزی گردشگری با محدودیت‌های دیگری مواجه است.

طبیعت‌گردی بدون محاسبه ظرفیت زیستگاه

صفایی با تفکیک مناطق چهارگانه از سایر عرصه‌های طبیعی اظهار کرد: «در مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط‌زیست، تورهای تخصصی طبیعت‌گردی با مجوز این سازمان برگزار می‌شود. فعالیت‌های تفرجی نیز در قالب طرح‌های مدیریت مناطق و بر اساس زون‌بندی مشخص می‌شود. در این طرح‌ها، عرصه‌هایی که بر اساس شاخص‌های تعیین‌شده ظرفیت لازم برای بهره‌برداری در قالب طبیعت‌گردی پایدار را دارند، مشخص می‌شوند و تفرج می‌تواند به شکل متمرکز یا گسترده انجام شود. در بسیاری از این مناطق نیز ظرفیت برد گردشگری محاسبه شده است تا تأثیر فعالیت‌ها بر طبیعت به حداقل برسد.» معاون دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست با یادآوری اینکه زیستگاه‌های جانوری به مناطق چهارگانه محدود نمی‌شوند، افزود: «بخش گسترده‌ای از عرصه‌های طبیعی خارج از این مناطق نیز زیستگاه جانوران وحشی هستند. با این حال، در بسیاری از این عرصه‌ها مطالعه‌ای برای تعیین ظرفیت برد گردشگری انجام نشده و برگزاری تورهای بدون ضابطه می‌تواند آسیب‌های جدی به خاک، پوشش گیاهی و حیات‌وحش وارد کند.»



از آلودگی صوتی تا تهدید جانوران

این مقام مسئول با هشدار نسبت به پیامدهای تورهای پرتعداد و همراه با پخش موسیقی‌های بلند و نامتعارف بیان کرد: «آلودگی صوتی و نوری می‌تواند چرخه زیستی جانوران وحشی را مختل کند. برای مثال، در فصل زادآوری گونه‌هایی مانند قرقاول و مرال، صداهای ناهنجار ممکن است فرآیندهای صوتی مرتبط با جلب جفت و قلمروطلبی را دچار اختلال کند. روشن کردن آتش، شکستن شاخه درختان برای تأمین هیزم و رهاسازی زباله نیز از دیگر رفتارهایی است که به زیستگاه‌ها آسیب می‌زند.» او با اشاره به پیامدهای رهاسازی پسماندهای غذایی در طبیعت افزود: «باقی‌مانده مواد غذایی می‌تواند جانوران مختلف، از پرندگان لاشه‌خوار و پسماندخوار تا گونه‌های همه‌چیزخواری مانند روباه، شغال و حتی خرس را به محل تجمع گردشگران جذب کند. این موضوع علاوه بر تغییر رفتار جانوران، آنها را در معرض خطرهای دیگری نیز قرار می‌دهد.» صفایی توضیح داد: «حتی اگر گردشگران ۵۰۰ متر تا دو کیلومتر وارد عرصه طبیعی شوند، فاصله زیادی با جاده ندارند و رهاسازی زباله و مواد غذایی می‌تواند جانوران را به محل بکشاند. نزدیک شدن این حیوانات به جاده‌ها احتمال تصادف و تلفات را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، خوردن کیسه‌های پلاستیکی، سفره‌های یک‌بارمصرف و ظروف باقی‌مانده مواد غذایی می‌تواند مشکلات جدی در دستگاه گوارش آنها ایجاد کند. ظروف کنسرو نیز به دلیل لبه‌های تیز ممکن است هنگام تلاش جانوران برای دسترسی به باقی‌مانده غذا، به پوزه و زبان آنها آسیب بزنند.» معاون دفتر حفاظت و مدیریت حیات‌وحش سازمان حفاظت محیط‌زیست با اشاره به تأثیر صداهای ناهنجار بر گونه‌هایی مانند خفاش‌ها اظهار کرد: «این جانوران برای شناسایی موقعیت و تشخیص محیط اطراف از بازتاب امواج صوتی استفاده می‌کنند و آلودگی صوتی می‌تواند در عملکرد این سازوکار اختلال ایجاد کند. چنین پیامدهایی به گونه‌های خشکی‌زی محدود نیست و در زیستگاه‌های دریایی نیز صداهای ناشی از فعالیت شناورها و تورهای گردشگری دریایی می‌تواند بر آبزیان و ماهی‌ها اثر بگذارد.»

محدودیت اختیارات محیط‌زیست

صفایی در پاسخ به پرسشی درباره تعامل سازمان حفاظت محیط‌زیست با وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی برای ساماندهی فعالیت تورها گفت: «در مناطق چهارگانه، فعالیت‌های گردشگری در چارچوب ضوابط سازمان حفاظت محیط‌زیست انجام می‌شود، اما در سایر زیستگاه‌ها، از جمله عرصه‌های تحت اختیار سازمان منابع طبیعی، محیط‌زیست اختیار مستقیم چندانی برای مداخله ندارد.» او با اشاره به پیگیری ملاحظات زیست‌محیطی در کمیته ملی طبیعت‌گردی افزود: «سازمان حفاظت محیط‌زیست بارها ملاحظات و پروتکل‌های موردنظر خود را در این کمیته مطرح کرده و طی مکاتباتی نیز آنها را به وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اعلام کرده است.» با این حال، به گفته صفایی، برخی تورها حتی مجوزهای وزارت میراث فرهنگی را نیز ندارند و مشکل اصلی در بسیاری از موارد، قانون‌گریزی برگزارکنندگان است.

> مدیرکل دفتر حفاظت محیط زیست: آلودگی صوتی و نوری چرخه زیستی حیات‌وحش را مختل می‌کند و در فصل زادآوری، جفت‌یابی و قلمروطلبی گونه‌هایی مانند قرقاول و مرال را برهم می‌زند

هزار خودرو در جنگل و تنها یک تور مجاز

در سوی دیگر این موضوع، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی بر ضرورت تفکیک فعالیت تورهای مجاز از سفرهای شخصی و غیرسازمان‌یافته تأکید می‌کند. مصطفی فاطمی، مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، در گفت و گو با «ایران» با اشاره به افزایش سفرهای گروهی به عرصه‌های طبیعی گفت: «بخش قابل‌توجهی از سفرهایی که به طبیعت انجام می‌شود، در قالب گروه‌های دوستانه و خانوادگی و بدون استفاده از خدمات راهنمایان گردشگری شکل می‌گیرد. تعداد این سفرها بسیار بالاست و در برخی موارد، ورود خودروهای شخصی به مناطق طبیعی به اندازه‌ای است که کنترل پیامدهای زیست‌محیطی آن دشوار می‌شود.»

فاطمی برای توضیح ابعاد این مسأله به تجربه حضور خود در جنگل فندقلو اشاره کرد و گفت: «در یکی از تعطیلات پایان هفته، بیش از هزار خودرو وارد این جنگل شدند، اما از میان آنها فقط یک تور مجاز وجود داشت. نکته قابل‌توجه اینکه همان گروه گردشگری مجاز، حجم زیادی از زباله‌های رهاشده در طبیعت را جمع‌آوری کرده بود.»

مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی با انتقاد از تعمیم آسیب‌های ناشی از سفرهای غیرسازمان‌یافته به تمام فعالان عرصه طبیعت‌گردی اظهار کرد: «بسیاری از مجموعه‌های مجاز دغدغه حفاظت از محیط‌زیست دارند و حتی در مناطق طبیعی با افرادی که بدون ضابطه فعالیت می‌کنند، درگیر می‌شوند. تعداد مجموعه‌هایی که بدون مجوز در عرصه‌های طبیعی تور برگزار می‌کنند، بسیار زیاد است و حجم فعالیت آنها با تورهای مجاز قابل مقایسه نیست.»

> مدیرکل دفتر توسعه گردشگری داخلی: در یکی از تعطیلات پایان هفته، بیش از هزار خودرو وارد جنگل شدند، اما فقط یک تور مجاز وجود داشت

چرا سفرهای شخصی جای تورهای مجاز را می‌گیرند؟

این مقام مسئول با اشاره به دشواری‌های فعالیت قانونی در حوزه طبیعت‌گردی گفت: «کسی که بخواهد به شکل مجاز تور برگزار کند، باید الزامات متعددی از جمله داشتن مدیر فنی، راهنمای آموزش‌دیده طبیعت‌گردی، بیمه و رعایت ملاحظات حرفه‌ای و اخلاقی را رعایت کند. این الزامات هزینه برگزاری تور را افزایش می‌دهد و در نتیجه بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند به‌صورت شخصی یا همراه با خانواده و دوستان به طبیعت سفر کنند.»

او با تأکید بر ضرورت تفکیک سفرهای شخصی از فعالیت تورهای حرفه‌ای افزود: «افرادی که با خودروهای شخصی و در گروه‌های خانوادگی و دوستانه وارد عرصه‌های طبیعی می‌شوند، ممکن است بسیاری از اصول زیست‌محیطی را رعایت نکنند. از نظر گردشگری، گروه‌هایی که بدون راهنمای مجاز و بدون رعایت اصول اولیه حضور در طبیعت فعالیت می‌کنند، خارج از چارچوب ضوابط حرفه‌ای طبیعت‌گردی قرار می‌گیرند. در مقابل، راهنمایان مجاز با نگاه حفاظت‌محور فعالیت می‌کنند و در صورت مشاهده زباله یا آتش خاموش‌نشده، برای پاکسازی و رفع خطر اقدام می‌کنند.» فاطمی با اشاره به آموزش‌های تخصصی راهنمایان طبیعت‌گردی اظهار کرد: «راهنمایان مجاز پس از دریافت آموزش‌های عمومی گردشگری، آموزش تخصصی طبیعت‌گردی را نیز پشت سر می‌گذارند و با ملاحظات زیست‌محیطی آشنا هستند. برای مثال، می‌دانند در فصل زادآوری برخی گونه‌ها نباید به زیستگاه‌های آنها تور ببرند. این ملاحظات بخشی از آموزش‌های تخصصی آنهاست.»

آموزش عمومی و مشارکت جوامع محلی

مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی درباره برنامه این وزارتخانه برای ساماندهی فعالیت‌های بدون مجوز گفت: «نشست‌هایی با سازمان حفاظت محیط‌زیست و سازمان منابع طبیعی برگزار و آمادگی خود را برای همکاری با مجموعه‌های غیرمجاز و کمک به ساماندهی فعالیت آنها اعلام کرده‌ایم. با این حال، نمی‌توان با بستن عرصه‌های طبیعی یا برخورد با تمام کسانی که به شکل غیرمجاز به طبیعت سفر می‌کنند، مسأله را حل کرد.» او آموزش همگانی را یکی از راهکارهای اصلی دانست و افزود: «مردم باید بدانند در زمان ورود به طبیعت چگونه رفتار کنند. برای مثال، در روز سیزده‌بدر به طبیعت می‌رویم، اما هدف نباید آسیب زدن به محیط طبیعی باشد. این آموزش وظیفه یک دستگاه به‌تنهایی نیست و صداوسیما، رسانه‌ها و فعالان فضای مجازی نیز باید در آن مشارکت کنند.» فاطمی دومین راهکار را استفاده از ظرفیت جوامع محلی دانست و گفت: «وقتی یک منطقه طبیعی را می‌بندیم، گاهی جوامع محلی در ازای دریافت پول، افراد را از مسیرهای دیگر وارد منطقه می‌کنند یا مانع ورود تورهای مجاز می‌شوند تا از آنها پول بگیرند. بنابراین، صرف محدود کردن دسترسی به عرصه‌های طبیعی راهکار مؤثری نیست. باید با آموزش و ایجاد انگیزه در جوامع محلی، آنها را در حفاظت از این مناطق مشارکت داد.»

وی با تأکید بر اینکه دریافت وجه از سوی دهیاری‌ها برای ورود به محدوده‌های طبیعی پیرامون روستاها لزوماً اشکالی ندارد، افزود: «مهم این است که این درآمد در مسیر حفاظت از محیط زیست منطقه هزینه شود و جوامع محلی بدانند با چه گروه‌هایی باید برخورد کنند و کدام گروه‌ها فعالیت مجاز و حفاظت‌محور دارند.» به گفته مدیرکل توسعه گردشگری داخلی وزارت میراث فرهنگی، ساماندهی جوامع محلی و سهیم کردن آنها در بهره‌برداری حفاظت‌محور از منابع طبیعی، یکی از راه‌حل‌های نجات محیط‌های طبیعی کشور است. او تأکید کرد که نگاه بخشی و محدود کردن مسأله به مسئولیت یک دستگاه، نمی‌تواند ابزار بازدارنده مؤثری برای جلوگیری از آسیب به طبیعت باشد.

تجربه جهان چه می‌گوید؟

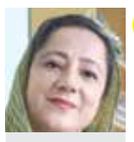
در الگوهای بین‌المللی، طبیعت‌گردی موفق صرفاً به معنای افزایش تعداد گردشگران و درآمد حاصل از سفر نیست؛ بلکه میزان مشارکت گردشگری در حفاظت از زیستگاه‌ها و بهبود معیشت جوامع محلی نیز معیار سنجش موفقیت آن است. شورای جهانی سفر و گردشگری (WTTC) در همکاری با سازمان جهانی گردشگری ملل متحد (UN Tourism) و ائتلاف جهانی هتلداری پایدار، در طرح «گردشگری مثبت برای طبیعت» بر هدف توقف و معکوس کردن روند نابودی تنوع زیستی تا سال ۲۰۳۰ تأکید کرده است. این رویکرد بر کاهش آلودگی، حفاظت از گونه‌ها، مهار مصرف ناپایدار منابع و مشارکت فعال کسب‌وکارهای گردشگری در احیای طبیعت استوار است.

سازمان جهانی گردشگری نیز اکوتوریسم را سفری همراه با آموزش و شناخت طبیعت می‌داند که باید آثار منفی حضور گردشگران را به حداقل برساند و برای جوامع محلی و نهادهای حفاظت از مناطق طبیعی منافع اقتصادی ایجاد کند. اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) و شورای جهانی گردشگری پایدار (GSTC) نیز بر مدیریت جریان بازدیدکنندگان متناسب با ظرفیت و حساسیت زیستگاه، آموزش راهنمایان، تدوین ضوابط رفتاری و پایش مستمر آثار گردشگری تأکید دارند. تجربه کشورهای پیشرو نیز نشان می‌دهد که این اصول قابلیت اجرا دارند. در کاستاریکا، یکی از کشورهای شناخته‌شده در اکوتوریسم، ورود به برخی زیستگاه‌ها با رزرو قبلی، حضور راهنمای محلی و سقف روزانه بازدیدکنندگان انجام می‌شود؛ برای نمونه، در بخشی از پناهگاه حیات‌وحش بارا دل کلرادو، ورود روزانه به ۳۳۰ نفر محدود شده و گروه‌ها نمی‌توانند بیش از ۱۰ نفر باشند. در رواندا نیز ۱۰ درصد درآمد گردشگری پارک‌های ملی به جوامع پیرامونی اختصاص می‌یابد. نیوزیلند هم برای فعالیت‌های تجاری و سازمان‌یافته گردشگری در اراضی تحت حفاظت، مجوز اختصاصی صادر می‌کند و امکان تعلیق یا لغو آن در صورت تخلف را دارد.

برای ایران نیز اول باید میان طبیعت‌گردی مسئولانه و تفریح مخرب تفاوت عملی قائل شد. تعیین ظرفیت برد و سقف ورود گردشگر برای هر زیستگاه، ثبت و رزرو الکترونیکی تورها، الزام به حضور راهنمای آموزش‌دیده، ممنوعیت ورود در فصل‌های حساس زادآوری و اعمال جریمه برای رهاسازی پسماند، آتش‌افروزی و ایجاد آلودگی صوتی باید به بخشی از ضوابط اجرایی تبدیل شود. همچنین بخشی از درآمد تورها و عوارض ورود باید مستقیماً به حفاظت همان زیستگاه و توانمندسازی جوامع محلی اختصاص یابد. مهم‌تر از همه، مسئولیت رعایت این قواعد نباید فقط بر دوش راهنمایان و تورهای مجاز باشد؛ سفرهای شخصی و گروه‌های دوستانه نیز باید تابع مقررات رفتاری متناسب با حساسیت مناطق طبیعی باشند. طبیعت‌گردی زمانی به اکوتوریسم تبدیل می‌شود که حضور انسان نه باری بر دوش طبیعت، بلکه عاملی برای حفاظت از آن باشد.

بوجاق؛ آغوش امن پرندگان، دام چشم‌تنگان

یادداشت



لیلا مسروری
کنشگر محیط زیست گیلان

در میان پهنه‌های طبیعی و ارزشمند وطن‌مان؛ ایران، برخی پهنه‌ها به‌سبب ویژگی‌ها و داشته‌هایشان شناخته‌شده‌ترند. عجبا که به‌جای آنکه این برجستگی و شناخته‌شدن، امنیت بیشتری برایشان به ارمغان بیاورد، گویا آنها را برای چشم‌تنگانِ تیزدندان طبیعت‌خوار، مطبوع‌تر کرده است! پارک ملی خشکی‌دریایی بوجاق، که پیشوند «پارک ملی» عالی‌ترین سطح حفاظت را نوید می‌دهد، یکی از همین لقمه‌های چرب زیر دندان زیاده‌خواهان است.

بوجاق آن‌قدر مشهور است که نیازی به معرفی ندارد؛ نیازی نیست، به سیاق معمول، از وسعتش، مجموعه تالابی‌اش، فون (مجموعه جانوران یک منطقه) و فلورش (مجموعه گیاهان یک منطقه)، پرنده و چرنده و آبزی‌اش، مصب سفیدرود بودنش و میزبانی‌اش از ماهیان خاویاری و مانند آن بگوییم. اشاره به نام بوجاق، خود حجت را بر مخاطب تمام می‌کند. دریغا که بوجاق نیز، مثل تمام عرصه‌ها و پهنه‌های گیلان و شمال، از خوش‌دسترسی‌اش به‌جای نعمت، نقمت نصیب برده است. این روزها اوج حضور پرندگان مهاجر، چه کوچ‌رو و چه عبوری، است؛ پرندگانی که در آسایش بوجاق نفسی تازه می‌کنند و برای ادامه مسیر و رسیدن به مقصد، جانی دوباره می‌گیرند. هرچه هوا در عرض‌های شمالی سردتر شود، حضور انواع پرندگان شکاری، آبزی و کنارآبزی در آغوش گرم و امن بوجاق بیشتر می‌شود؛ و وسوسه وسواسانِ خناس برای زنده‌گیری گونه‌های ارزشمند نیز فزونی می‌گیرد!

به‌خصوص که بوجاق، در مقایسه با بسیاری از مناطق، تاکنون از آفت ساختمان‌های بلند دور مانده است؛ فراخنای آسمانش برای انواع پرندگان، شاهین‌سانان و دیگر پرندگان، مطبوع و پذیراست. در بازدیدی که از منطقه داشتیم، سازه عجیبی دیدیم که همچون شاخه‌ای افقی، لابه‌لای شاخه‌های درخت توسکا جاسازی شده بود؛ با این هدف شوم که به‌محض لحظه‌ای آرام‌گرفتن پرنده، بویژه پرندگان شکاری، آن را به دام بیندازد.

تله‌ای عجیب که احتمال جان‌به‌دربردن پرنده از آن تقریباً صفر است. حلقه‌های نخ و نایلون را چنان ماهرانه و شیطانی به هم بافته بودند که تصورِ گیرکردن پنجه پرنده در آن و بال‌بال‌زدنش برای نجات و رهایی، قلب را می‌فشرد. حالا تصور کنید تماشای چنین صحنه‌ای، اسیرکردن و فروختن پرنده و تقلیل‌دادن آن‌همه شکوه خلقت و نقش ویژه‌اش در شبکه زیستی به بهایی ناچیز، چقدر سنگدلی می‌خواهد!

قصد ندارم از اهمیت درآمدزایی پایدارِ پرنده‌نگری و دستاوردهای زایا و مانای طبیعت‌گردی خردمندانه و اصولی بگویم؛ چراکه تکرار واضحات است. اما بیایید چشم‌هایمان را حساس کنیم و با این جمله که «وظیفه محیطبان است، به من چه؟» از کنار ماجرا عبور نکنیم و نگذریم. این، اشتراک تجربه و تقسیم درس‌آموخته‌ای است:

راهنمای گروه کوچک ما، با همت، تلاش، مهارت و البته عشق به طبیعت، خود را به بالای درخت رساند، این تله منحوس را از درخت جدا کرد و پرنده یا پرندگانی را نجات داد!



از آن جنبش که در نشو نبات است
درختان را و مرغان را حیات است
آیا لازم است باز هم بگوییم: «به درویشی کشد نخجیربانی»؟ و مگر در مالی که از شکار و صید ظالمانه به‌دست می‌آید، برکتی هست؟!
امید که همگی، همان‌گونه که در اصل پنجاهم قانون اساسی ـ یکی از پیشروترین اصول میثاق ملی‌مان ـ آمده است، خود را محافظ طبیعت بدانیم.



فلامینگوهای دریاچه مهارلو

با رو به سردی نهادن هوا و شروع فصل سرما هزاران قطعه فلامینگو با پشت سر گذاشتن مسافت‌های طولانی از مناطق شمالی و از سمت آفریقا راهی مناطق جنوبی و گرمسیر می‌شوند. در مسیر مهاجرت آنها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها و سواحل مناطق گرم‌تر ایران قرار دارد که دریاچه «مهارلو» در استان فارس یکی از این مناطق است. زیستگاه فلامینگوها را مردابهای ساحلی کم عمق، سواحل گلی، ماندابهای حاصل از طغیان دریاچه‌ها و باتلاق‌ها تشکیل می‌دهند. حضور فلامینگوها در دریاچه مهارلو شیراز، جلوه‌ای زیبا از طبیعت و حیات‌وحش استان فارس را به نمایش گذاشته است. تجمع و پرواز فلامینگوها در کنار آب، تصویری تماشایی از زیبایی‌های طبیعی، غنای زیستی و ظرفیت‌های ارزشمند این دریاچه را به نمایش می‌گذارد.

فلامینگو یا مرغ آتشی از رده پرندگان و راسته لک لک سانان است که دارای پاهای دراز، منقاری منحنی، گردنی بلند و خمیده با بدنی بسیار کشیده و پر و بالی سفید و صورتی است. پرنده نر و ماده همشکلند ولی ماده، کمی کوچکتر است و پرنده نابالغ، قهوه‌ای مایل به خاکستری چرک است فلامینگو از ۹۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر بلندی دارد به آرامی راه می‌رود و در حالیکه سر و منقار خود را در آب کم عمق فرو برده، تغذیه می‌کند.

قطع ۸۰۰۰ درخت خشکیده در بوستان یاس فاطمی



رضا بیانی، مدیرکل منابع طبیعی استان تهران، به ایسنا گفت: «حدود ۸۰۰۰ اصله درخت خشکیده و آفت‌زده در بوستان یاس فاطمی قطع شده و تاکنون نزدیک به ۱۶۰۰ اصله درخت جایگزین آن کاشته شده است.» به گفته او این درختان همزمان با پارک‌های جنگلی چیتگر و سرخه‌حصار نشانه‌گذاری و «چکش‌زده» شده بودند و شمار درختان قطع‌شده در یاس فاطمی کمتر از آن دو پارک است.

جایگزینی با گونه‌های بومی و کم‌آب‌بر مانند زبان‌گنجشک، اقاقیا و بلوط انجام می‌شود و بر اساس طرحی مصوب، تا پایان سال جاری به پایان می‌رسد. بیانی افزود: «تا پایان سال حدود ۶۰۰۰ اصله درخت دیگر نیز در چیتگر و سرخه‌حصار کاشته و آبیاری آنها تأمین خواهد شد.» این خبر پس از آن منتشر شد که خشکیدگی و قطع درختان اول در جنگل دست‌کاشت چیتگر و سپس در سرخه‌حصار به موضوع رسانه‌ها تبدیل شد. به گفته مقام‌های منابع طبیعی، علت اصلی خشکیدگی، کم‌آبی و آفت‌زدگی است؛ هرچند کارشناسان محیط‌زیست هشدار می‌دهند جایگزینی نهال با درختان کهن، کارکرد بوم‌شناختی جنگل شهری را در کوتاه‌مدت بازنمی‌گرداند و باید به جای درمان پس از مرگ، مدیریت آب و پایش آفات در اولویت باشد.